

Research Paper

Predicting Children's Behavioral Problems based on Maternal Parenting Styles:
The Mediating Role of Child Adjustment



Mohammad Kazem Salamat¹, Masoud Hejazi^{*2}, Zekrollah Morovati³, Sirous Isadpanah⁴

1. Ph.D. Student of Psychology, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran

2. Assistant Professor, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran

3. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology, Zanjan University, Iran

4. Assistant Professor, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran

Citation: Salamat MK, Hejazi M, Morovati Z, Isadpanah S. Predicting children's behavioral problems based on maternal parenting styles: The mediating role of child adjustment. Quarterly Journal of Child Mental Health. 2019; 6(3): 269-280.

<http://dx.doi.org/10.29252/jcmh.6.3.23>

ARTICLE INFO

Keywords:

Parenting style,
adjustment,
behavioral problems

Received: 31 May 2019

Accepted: 11 Sep 2019

Available: 16 Nov 2019

ABSTRACT

Background and Purpose: Previous studies have shown that maternal parenting styles play a key role in the child's mental health and that each parenting style has different effects on the psychological well-being of children. Thus, the present study aimed to predict children's behavioral problems based on maternal parenting styles with mediating role of child adjustment.

Method: This research is a correlation study. The statistical population of this study included all preschool students of city in the academic year 2017-2018 (2201 girls and 2688 boys). The sample consisted of 447 (191 girls and 256 boys) preschool students from the mentioned population who were selected through multistage cluster sampling. *Parenting style inventory* (Baumrind 1973), *child adjustment questionnaire* (1998), and *child behavior checklist of the teacher report of ASEBA* (2001) were used to collect data in this study. Correlation and path analysis were used to analyze the data.

Results: The findings showed that the components of mothers' parenting styles directly affect children's behavioral problems. The results also showed that maternal parenting styles had a direct effect on children's behavioral problems through child adjustment ($P = 0.01$).

Conclusion: The results of this study showed that the variable of child adjustment in relation to maternal parenting styles with behavioral problems in preschool children plays an undeniable role. Therefore, educating mothers about proper parenting practices and thus improving the levels of the level of child adjustment can be very effective in reducing behavioral problems.

* **Corresponding author:** Masoud Hejazi, Assistant Professor, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

E-mail addresses: Masod1357@yahoo.com

مقاله پژوهشی

پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان بر اساس شیوه‌های والدگری مادران:
نقش میانجی سازش‌یافتگی کودکمحمد کاظم سلامت^۱، مسعود حجازی^{۲*}، ذکر اله مروتی^۳، سیروس ایزدپناه^۴

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

۳. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه زنجان، ایران

۴. استادیار گروه آموزش زبان انگلیسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

مشخصات مقاله

چکیده

کلیدواژه‌ها:

شیوه‌های والدگری،
سازش‌یافتگی،
مشکلات رفتاری

زمینه و هدف: مطالعات پیشین نشان دادند که شیوه‌های والدگری مادر نقش اساسی در سلامت روان کودک دارند و هر یک از سبک‌های والدگری، تأثیرات متفاوتی بر سرنوشت روان‌شناختی فرزندان به جا می‌گذارند. بدین ترتیب پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان بر اساس شیوه‌های والدگری مادران با میانجی‌گری سازش‌یافتگی کودک انجام شده است.

روش: پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی دانش‌آموزان مراکز پیش‌دبستانی شهر زنجان در منطقه یک و دو آموزش و پرورش شهر زنجان در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ (۲۲۰۱ دختر و ۲۶۸۸ پسر) بودند. نمونه پژوهش، شامل ۴۴۷ نفر (۱۹۱ دختر و ۲۵۶ پسر) دانش‌آموز پیش‌دبستانی از جامعه مذکور بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها در این مطالعه از پرسشنامه‌های شیوه‌های والدگری (۱۹۷۳)، سازش‌یافتگی کودک دخانچی (۱۳۷۷)، و چک‌لیست رفتار کودک- نسخه گزارش معلم آخنباخ (۲۰۰۱) استفاده شد. برای تحلیل داده‌های به‌دست آمده از روش همبستگی و تحلیل مسیر استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد مؤلفه‌های شیوه‌های والدگری مادران به طور مستقیم بر مشکلات رفتاری کودکان تأثیر دارد. همچنین نتایج نشان داد شیوه‌های والدگری مادران از طریق سازش‌یافتگی کودک بر مشکلات رفتاری کودکان، تأثیر غیرمستقیم دارد ($P=0/01$).

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان داد که متغیر سازش‌یافتگی کودک در رابطه شیوه‌های والدگری مادران با مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی، از نقش غیر قابل انکاری برخوردار است؛ بنابراین آموزش شیوه‌های والدگری صحیح به مادران و در نتیجه بهبود سطح سازش‌یافتگی کودکان، می‌تواند در کاهش مشکلات رفتاری بسیار مؤثر باشد.

دریافت شده: ۹۸/۰۳/۱۰

پذیرفته شده: ۹۸/۰۶/۲۰

منتشر شده: ۹۸/۰۸/۲۵

* نویسنده مسئول: مسعود حجازی، استادیار گروه روان‌شناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

رایانامه: Masod1357@yahoo.com

تلفن تماس: ۰۲۴- ۳۳۴۲۱۰۰۱

مقدمه

دوران کودکی از مهم‌ترین مراحل زندگی است که در خلال آن شخصیت فرد پایه‌ریزی شده و شکل می‌گیرد و سال‌های ابتدایی تحول در خانواده، نقش اساسی در رفتارها و سازش‌یافتگی کودکان در آینده دارند (۱). کودکان به عنوان یکی از گروه‌های سنی آسیب‌پذیر در معرض انواع مشکلات روان‌شناختی قرار دارند (۲). کودکان به دلیل اینکه شدیداً از نظر توانمندی‌های جسمانی و ذهنی نارس هستند و به والدین و دیگران وابسته‌اند، در مقابل فشارها و ناراحتی‌ها، تنها کاری که می‌توانند بکنند بروز مشکلات رفتاری است. مشکلات رفتاری، آن دسته از رفتارهایی هستند که با وجود پایین نبودن بهره هوشی، تعادل روانی، و رفتاری فرد از جمعیت عموم جامعه، از نظر شدت، مداومت و بروز در مکان‌های مختلف به گونه‌ای هستند که بر عملکرد تحصیلی و رفتاری فرد اختلال ایجاد کرده و موجب کاهش میزان کارایی شود (۳). رفتار کودک در واقع، زبان گویای اوست. هرچه کودک در ارتباط با دیگران و بیان احساسات و تأمین نیازهای خود مشکلات بیشتری داشته باشد، مشکلات روانی و رفتاری بیشتری خواهد داشت (۴)؛ بنابراین هر نوع رفتار غیرعادی کودک یا مسائل و اختلالات رفتاری او را علاوه بر خصیصه‌های مربوط به دوره‌های تحولی، می‌توان به عنوان واکنشی نسبت به شرایطی دانست که در محیط اطراف کودک به‌ویژه خانواده وجود دارد (۲). بر این اساس آسیب‌پذیری کودکان در این سنین از یک سو تحت تأثیر فرایند فعال تحول و مقتضیات خاص مراحل آن، و از سوی دیگر تحت تأثیر مهار شرایط محیطی و موقعیتی کودک در خانواده توسط بزرگسالان است (۵).

سازش‌یافتگی^۱ به لحاظ زیست‌شناسی به ساختارهای بیولوژیکی اشاره دارد که زنده ماندن انواع را تسهیل می‌کند و نه تنها انسان‌ها، بلکه حیوانات و نباتات را نیز شامل می‌شود (۶). در روان‌شناسی، سازش‌یافتگی فرایندی کم‌وبیش آگاهانه فرض می‌شود که بر پایه آن فرد با محیط اجتماعی، طبیعی یا فرهنگی انطباق می‌یابد (۷). این فرایند همچنین شامل انطباق با تغییرات، جستجوی مکان تازه و موقعیت‌ها، ترسیم هیجانات منفی، و ابراز احساسات مثبت در زمان واکنش متقابل با دیگران را در بر

می‌گیرد (۸). سازش‌یافتگی مستلزم آن است که فرد خود را تغییر داده یا این که فعالانه تغییراتی در محیط ایجاد کند (۶). عوامل زیادی سازش‌یافتگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد که یکی از آنها، عامل تربیتی است که نظریه‌های روان‌پویشی، رفتارگرایی و سایر نظریه‌های روان‌شناسی، چگونگی رابطه‌ی اعضای خانواده با کودک و به‌ویژه نقش مادر را در این بین برجسته کرده‌اند (۷)؛ بدین صورت که هرگاه اختلالی در روابط عاطفی مادر و فرزند ایجاد شود، امنیت عاطفی کودک مختل می‌شود و در نتیجه آثار آن در رفتار کودک به شکل مشکلات رفتاری منعکس می‌شود (۹). بر این اساس خانه، محیط اولیه زندگی فرد است و تأثیر خانواده و تجارب اولیه اجتماعی در محیط خانواده، هنگامی که پایه‌های الگوی سازش‌یافتگی بنا می‌شود، اهمیت بسیاری دارد (۱۰). نتیجه این که کیفیت زندگی کودک در خانواده و نوع تعامل او با والدین، می‌تواند بر سازش‌یافتگی کودک (۱۱) و ظهور مشکلات رفتاری تأثیر بگذارد (۲).

یکی از مؤلفه‌های عملکردی خانواده، شیوه والدگری^۲ استغ یعنی رفتارهای خاص و هدفمندی که از طریق آن والدین وظایف خود را در پرورش فرزندشان انجام می‌دهند (۱۲). شیوه‌های والدگری بر شکل‌گیری و تحول شخصیتی و رفتاری کودکان تأثیر فراوان و عمیقی دارد (۲ و ۳). بامریند (۱۹۶۰) در بررسی روابط والدین با کودکان، سه شیوه والدگری استبدادی^۳، اقتدارگرا^۴، و آسان‌گیر^۵ را ارائه کرده است (۱۳). والدین با شیوه والدگری مستبد، صمیمیت کم و مهار رفتاری بالایی دارند، رفتارهای سخت‌گیرانه و انضباطی بر کودک وضع می‌کنند، انتظارات بسیار بالا از کودک دارند و مکرر از تنبیه استفاده می‌کنند، و ارتباط یک‌طرفه با کودک دارند که می‌تواند پیامد اختلال‌های رفتاری نظیر خصومت، بزهکاری، اضطراب، شرارت، خشونت، و رفتارهای ضداجتماعی باشد (۲، ۴ و ۱۳). والدین با شیوه والدگری آسان‌گیر، صمیمیت بسیار بالا و مهارگری پایینی در ارتباط با کودک به کار می‌گیرند و بیشتر همانند یک دوست با فرزند خود رفتار می‌کنند تا یک والد. آنها همچنین انتظارات کمی از کودک دارند و از جهت‌دهی به

1. Adjustment
2. Parenting
3. Authoritarian

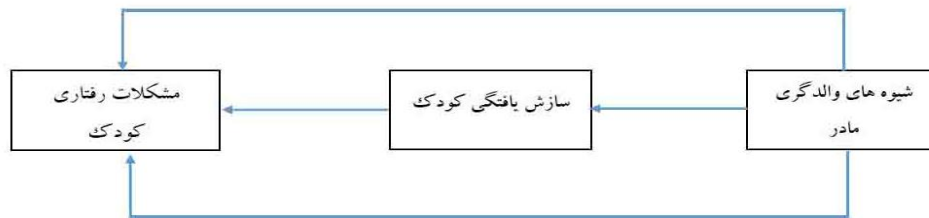
4. Authoritative
5. Permissive

رفتار کودک پرهیز می‌کنند (۹). پیامدهای آسان‌گیری این والدین متناقض است و بیشتر پژوهش‌ها به تبعات منفی آن اشاره کردند (۱، ۴ و ۹). بالاخره والدین مقتدر به‌طور همزمان میزان صمیمیت و مهارگری بالایی را در تربیت فرزند خود به کار می‌گیرند، عقلانی و منطقی رفتار می‌کنند، انتظارات مشخصی از فرزندان خود دارند، و قوانین انضباطی را به وضوح شرح می‌دهند. تربیت رفتاری این دسته معمولاً با شایستگی بیشتر کودک، بلوغ رفتاری بالا، اعتماد به خود بالا و مهارگری مطلوب همراه است و کودکان تحت تأثیر این سبک والدگری از بروز مشکلات رفتاری، مصون می‌مانند (۴، ۶ و ۱۳).

نتیجه مطالعات نشان می‌دهد کودکانی که به لحاظ شیوه‌های والدگری، رابطه خوبی را با والدین خود تجربه کردند، سازش‌یافتگی بهتری نشان می‌دهند و سلامت روانی بالایی دارند (۵ و ۶). چون والدین با سبک والدگری مقتدرانه قادر هستند روابط مثبتی را با فرزندان خود حفظ کنند، و سازش‌یافتگی فرزندان خود را تسهیل می‌کنند؛ در مقابل والدین مستبد، کودکان با سطح سازش‌یافتگی پایینی پرورش می‌دهند (۱۴ و ۱۵). مطالعات همچنین نشان می‌دهند بین عملکرد خانواده و شیوه والدگری، با مشکلات رفتاری به واسطه سازش‌یافتگی کودکان ارتباط وجود دارد (۷، ۱۰ و ۱۶) و والدینی که روابط منفی را با فرزندان شکل می‌دهند و سطوح پایین‌تر مراقبت والدین و میزان بالایی از خشونت‌طلبی را در پرورش کودکان بکار می‌گیرند، رشد اجتماعی فرزندان را بازداری کرده و این پتانسیل را دارند تا رفتارهای سازش‌نا یافته فرزندان را افزایش داده و مشکلات رفتاری کودکان را افزایش دهند (۱۷). این در حالی است که سطوح بالای مراقبت و رفتارهای مثبت والدینی منجر به سازش‌یافتگی بالاتر کودک در آینده و کاهش مشکلات رفتاری می‌شود (۱۸).

مطالعات سونیس و وانستین کیست (۱۹)، اثر زیانبار والدگری منفی والدین بر سازش‌یافتگی کودکان و شکل‌گیری مشکل رفتاری پرخاشگری فیزیکی کودکان را بررسی و تأیید کردند. نتایج مطالعات

رودریگز، وانستینکیس، سونیس، سونیز و اولیوا (۲۰) نشان داد که والدگری منفی بر سازش‌یافتگی و مشکلات رفتاری درون‌نمود و برون‌نمود نوجوانان، تأثیر منفی دارد. جوسمیت و همکاران (۲۱) در پژوهشی روی شیوه‌های والدگری والدین همراه با رفتار پرخاشگرانه بر رفتارهای کودک به این نتیجه رسیدند که والدگری منفی با رفتار پرخاشگرانه باعث عدم سازش‌یافتگی رفتار کودک و اجبار به نمایش رفتار مطلوب، همراه است و همین رفتارهای برون‌نمود در کودکی پیش‌بینی‌کننده مشکلات در روابط با همسالان، خانواده، و اختلالات رفتاری در نوجوانی است. در همین راستا کائول، کانتنبرگ و آنانت (۲۲) در پژوهشی نشان دادند پاسخ‌های مثبت مادر با شیوه والدگری اقتدارگرا به احساسات منفی کودکان، باعث کاهش مشکلات رفتاری و افزایش سازش‌یافتگی آنها می‌شود. پاتنیک و همکاران (۲۳) نیز در بررسی بر روی شیوه والدگری مادران به این یافته رسیدند مادرانی که با کودکانشان روابط گرم و صمیمانه دارند و نسبت به فرزندان خود پاسخ‌گو و متعهد هستند، کودکانی با سازش‌یافتگی بیشتر پرورش می‌دهند و فرزندان مشکلات رفتاری تهاجمی کمتری نشان می‌دهند. مطالعات جولی و آندر (۲۴) نشان داد سطح طرد-پذیرش مادر پیش‌بینی‌کننده قوی مشکلات رفتاری درون‌نمود و برون‌نمود و سازش‌یافتگی کودکان است. تاکنون پژوهش‌های بسیاری درباره رابطه شیوه والدگری با مشکلات رفتاری کودکان انجام شده اما در مورد نقش میانجی‌گری سازش‌یافتگی کودکان، در رابطه بین شیوه والدگری با مشکلات رفتاری، مطالعه‌ای انجام نشده است. بدین ترتیب با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان بر پایه شیوه‌های والدگری مادران با میانجی‌گری سازش‌یافتگی کودک انجام شده است که مدل فرضی پیشنهادی پژوهش در شکل ۱ ترسیم شده است.



شکل ۱: مدل فرضی پیشنهادی پژوهش

روش

الف) طرح پژوهش و شرکت کنندگان: این پژوهش بر اساس روش انجام و شیوه گردآوری داده‌ها، به صورت توصیفی - همبستگی - پیمایشی و به طور دقیق تحلیل مسیر است. شیوه‌های والدگری مادر به عنوان متغیر برون‌زا و پیش‌بین، سازش‌یافتگی کودک به عنوان متغیر میانجی، و مشکلات رفتاری، متغیر درون‌زا و متغیر ملاک است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان ۲۰۹ مرکز پیش‌دبستانی شهر زنجان در منطقه یک و دو آموزش و پرورش شهر زنجان در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بود (تعداد ۴۸۸۹ نفر؛ ۲۲۰۱ نفر دختر و ۲۶۸۸ نفر پسر). از این تعداد ۳۲۵۱ نفر در ناحیه دو و ۱۵۳۸ نفر در ناحیه یک مشغول به تحصیل بودند. نمونه آماری بر اساس قاعده کلاین (۲۵) یعنی ۲۰ نفر برای هر مؤلفه و در مجموع ۲۳ مؤلفه، ۴۶۰ نفر در نظر گرفته شد. بر این اساس از ناحیه یک، ۷ مرکز و از ناحیه دو، ۱۱ مرکز به صورت تصادفی، و در مجموع ۱۸ مرکز پیش‌دبستانی برای پژوهش انتخاب شدند. در نهایت با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از هر ۱۸ مرکز پیش‌دبستانی، یک کلاس انتخاب و تمامی کودکان آن کلاس مورد پژوهش قرار گرفتند. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل پایه تحصیلی (پیش‌دبستانی)، تمایل به همکاری برای تکمیل پرسشنامه‌ها، و پاسخ‌گویی به تمامی سؤالات پرسشنامه‌ها، بود. ملاک‌های خروج شامل عدم تمایل به بازگرداندن پرسشنامه‌ها به دلایل شخصی و عدم تکمیل همه سؤالات پرسشنامه‌ها بود. در مرحله بعد پرسشنامه‌های شیوه والدگری، سازش‌یافتگی کودک توسط مادر کودکان، و پرسشنامه اختلال رفتاری توسط مربیان پیش‌دبستانی برای تک تک کودکان تکمیل شدند و در نهایت ۱۳ نفر از نمونه آماری به دلیل ناقص بودن پرسشنامه‌ها

کنار گذاشته شدند. داده‌های جمعیت‌شناختی از کل نمونه نشان داد که از نمونه ۴۴۷ نفری پژوهش، ۱۹۱ دختر و ۲۵۶ پسر بودند که از این تعداد ۱۱۹ نفر آزمودنی‌ها متولد سال ۱۳۹۰ و ۳۲۸ نفر آنها متولد سال ۱۳۹۱ بودند.

ب) ابزار

۱) پرسشنامه شیوه والدگری^۱: این پرسشنامه را دیانا بامریند (۱۹۷۳) برای سنجش سه شیوه والدگری سهل‌گیرانه، مستبدانه، و مقتدرانه تدوین کرده است. حسین‌پور (۱۳۸۱) این ابزار را به فارسی برگردانده است که شامل ۳۰ گویه سوم شخص است که ۱۰ عبارت آن به شیوه مستبدانه، ۱۰ گویه آن به روش مقتدرانه، و ۱۰ عبارت دیگر آن به شیوه سهل‌گیرانه اختصاص دارد. این ابزار توسط والدین تکمیل می‌شود و نمره‌گذاری آزمون بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت بوده و با جمع‌آوری نمرات عبارات مربوط به هر شیوه، یک نمره بین ۰ تا ۴۰ برای هر شیوه والدگری به دست می‌آید. نمرات بیشتر در هر کدام از ابعاد، نشانگر شیوه قالب والدگری آن فرد است. در پژوهشی که توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) انجام شد اعتبار آزمون بر روی نمونه‌ای از مادران جمعیت مورد مطالعه به شیوه بازآزمایی و با فاصله یک هفته به ترتیب برای شیوه سهل‌گیرانه ۰/۶۹، شیوه مستبدانه ۰/۷۷، و شیوه مقتدرانه ۰/۷۳ گزارش شده است و روایی محتوایی پرسشنامه نیز توسط ۱۰ نفر از صاحب‌نظران روان‌شناسی و روان‌پزشکی مورد تأیید قرار گرفته است (۲۶). در پژوهش حاضر اعتبار به‌دست آمده برای خرده‌مقیاس‌های سهل‌گیرانه ۰/۷۹، استبدادی ۰/۸۶، و مقتدرانه ۰/۸۲ است.

۲) پرسشنامه اختلال رفتاری آخنباخ^۲: برای اندازه‌گیری مشکلات رفتاری در این مطالعه از چک‌لیست رفتار کودک نظام سنجش مبتنی بر تجربه

1. Baumrind Parenting style Inventory

2. Achenbach System of Empirically Based Assessment (ASEBA)

آخنباخ- نسخه گزارش معلم آخنباخ^۱ (۲۰۰۱) استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۱۱۳ عبارت و ۸ خرده‌مقیاس شامل اضطراب/ افسردگی (۱۶ سؤال)، گوشه‌گیری/ افسردگی (۸ سؤال)، شکایات جسمانی (۸ سؤال)، مشکلات اجتماعی (۱۱ سؤال)، مشکلات تفکر (۱۰ سؤال)، مشکلات توجه (۲۶ سؤال)، رفتار قانون‌شکنی (۱۲ سؤال)، رفتار پرخاشگرانه (۲۰ سؤال)، و دو سوال باز پاسخ است که سوال‌های باز پاسخ، تحلیل نشده است. هر کدام از عبارات این پرسشنامه بر اساس یک مقیاس ۳ درجه‌ای لیکرت، با تأکید بر رفتارهای حداقل ۲ ماه گذشته به وسیله معلم تکمیل می‌شود. نمره خام نسخه گزارش معلم از طریق جمع سؤالات در هر خرده‌مقیاس به دست می‌آید. پس از محاسبه نمره‌های خام و با مراجعه به جدول تبدیل نمره که در دفترچه راهنما به تفکیک مقیاس‌ها مشخص شده، می‌توان نمره‌های T را استخراج و برای هر فرد نیم‌رخ ترسیم کرد که در واقع شکل تبدیلی نمرات خام هستند. برای هر خرده‌مقیاس نمره T بیشتر از ۶۹، نشان‌دهنده دامنه بالینی، نمره T مقیاس بین ۶۵ تا ۶۹ نشان‌دهنده دامنه مرزی، و نمره T کمتر از ۶۵ مبین دامنه نرمال است. ضریب کلی اعتبار این آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۷ و با استفاده از اعتبار بازآزمایی ۰/۹۴ گزارش شده است. اعتبار و روایی این آزمون برای اندازه‌گیری مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان ۶ تا ۱۸ سال، مطلوب ارزیابی شده است (۲۷). در پژوهش حاضر نیز، اعتبار به‌دست آمده به روش آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌ها از ۰/۶۹ تا ۰/۸۲، و برای کل مقیاس اعتبار ۰/۸۱ به‌دست آمده است.

۴ پرسشنامه سازش‌یافتگی کودک^۲: برای سنجش سازش‌یافتگی کودک از پرسشنامه سازش‌یافتگی کودکان دخانچی که در سال ۱۳۷۷ ساخته شده و دارای ۳۷ سوال چهارگزینه‌ای (هیچ وقت، به ندرت، گاهی اوقات، و بیشتر اوقات) است، استفاده شده است. مادران یکی از گزینه‌هایی که با رفتار فرزندشان بیشتر مطابقت دارد را انتخاب می‌کنند.

نمره ۰ تا ۳ می‌تواند به هر یک از سوال‌ها تعلق بگیرد و حداکثر نمره کسب شده بین ۰ تا ۱۱۱ نمره می‌تواند باشد. لازم به ذکر است که هرچه کودک نمره بالاتری در این پرسشنامه کسب کند دارای سطح سازش‌یافتگی بالاتری خواهد بود. دخانچی (۱۳۷۷) به منظور بررسی روایی این پرسشنامه، ضریب روایی ملاکی را ۰/۸۱، اعتبار این تست را با استفاده از روش دو نیمه‌کردن معادل ۰/۷۹، و با استفاده از آلفای کرونباخ، معادل ۰/۷۲ گزارش کرده است (۲۸). در پژوهش حاضر اعتبار ۰/۸۶ برای این پرسشنامه به‌دست آمده است.

ج) روش اجرا: جهت انتخاب افراد نمونه ابتدا مجوزهای لازم از کمیته علمی و اخلاقی آموزش و پرورش گرفته شد و بعد از بیان اهداف پژوهش و رعایت ملاحظات اخلاقی، از والدین کودکان و مربیان مراکز پیش‌دبستانی برای حضور در پژوهش، با ارایه اطلاعات کافی در مورد چگونگی انجام پژوهش، عدم نیاز به ذکر نام آزمودنی در تکمیل پرسشنامه‌ها، اطمینان‌بخشی جهت محرمانه ماندن اطلاعات به‌دست آمده، و امکان انصراف برای آزمودنی‌ها در هر مرحله از انجام پژوهش، کسب رضایت شد. سپس از مادران خواسته شد که پرسشنامه‌های شیوه والدگری و سازش‌یافتگی کودک را تکمیل کنند و همچنین از مربیان نیز تقاضا شد پرسشنامه مشکلات رفتاری نسخه معلم را برای همه کودکان نمونه تکمیل کنند. در پایان داده‌های به‌دست آمده با ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر با کاربرد نرم افزار SPSS و Lisrel8.88 بررسی و تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها

در جدول ۱ ویژگی‌های توصیفی متغیرهای شیوه‌های والدگری، سازش‌یافتگی و مشکلات رفتاری کودکان شامل میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش آورده شده است.

جدول ۱: نتایج توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشدگی
شیوه اقتدارگرا	۳۱/۳۵	۶/۹۵	-۰/۱۳	۰/۳۸
شیوه آسان‌گیر	۲۳/۵۸	۳/۸۵	-۰/۰۹	۰/۳۲
شیوه استبدادی	۲۹/۹۲	۷/۹۵	-۰/۰۷	۰/۳۵
سازش‌یافتگی	۷۵/۹۴	۱۵/۶۵	-۰/۰۹	۰/۳۹
مشکلات رفتاری	۳۱/۴۸	۳۸/۰۴	-۰/۰۹	۰/۴۱

در مدل‌یابی علی، توزیع متغیرها باید نرمال باشد و قدر مطلق چولگی و کشیدگی متغیرها به ترتیب نباید از ۳ و ۱۰ بیشتر باشد (۲۵). با توجه به جدول ۱ قدر مطلق چولگی و کشیدگی تمامی متغیرها کمتر از مقادیر مطرح شده‌است، بنابراین پیش فرض مدل‌یابی علی یعنی نرمال بودن تک‌متغیری برقرار است. در مطالعه حاضر، قبل از تحلیل

داده‌ها مفروضه‌های بهنجاری یک‌متغیری، بهنجاری چندمتغیری، و مقادیر پرت، آزمون و تأیید شد. علاوه بر این، در جدول ۲ نتایج مربوط به پراکندگی مشترک بین متغیرها نشان می‌دهد که مفروضه‌های خطی بودن و عدم هم‌خطی چندگانه رعایت شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
اقتدارگرا	۱				
آسان‌گیر	-۰/۱۵**	۱			
استبدادی	-۰/۴۷**	-۰/۳۵**	۱		
سازش‌یافتگی	۰/۲۴**	-۰/۱۵**	-۰/۲۷**	۱	
مشکلات رفتاری	-۰/۲۱**	۰/۲	۰/۲۸**	-۰/۳۴**	۱

** $P < 0.01$

طبقی اطلاعات جدول ۲ رابطه بین مشکلات رفتاری کودکان با شیوه والدگری استبدادی -0.21 و با شیوه والدگری اقتدارگرا 0.28 به‌دست آمده است که هر سه در سطح کمتر از 0.01 معنی‌دار است. رابطه سازش‌یافتگی با شیوه والدگری استبدادی -0.27 ، با شیوه والدگری اقتدارگرا 0.24 ، و با شیوه والدگری آسان‌گیر -0.15 به‌دست آمده است که هر سه در سطح کمتر از 0.01 معنی‌دار است. همچنین رابطه سازش‌یافتگی با مشکلات رفتاری در کودکان پیش‌دبستانی نیز منفی معنی‌دار به مقدار -0.34 به‌دست آمده است.

از روش بیشینه احتمال برای آزمون الگوی نظری پژوهش و برازش آن با داده‌های گردآوری شده استفاده شد. استفاده از این روش نیازمند نرمال بودن چندمتغیره متغیرها است. در این پژوهش برای بررسی نرمال بودن چندمتغیره از ضریب کشیدگی استاندارد شده

مردی^۱ استفاده شد. این عدد در پژوهش حاضر 4.63 به‌دست آمد که کمتر از عدد 3.5 است که از طریق فرمول $p(p+2)$ محاسبه شده است. در این فرمول p مساوی است با تعداد متغیرهای مشاهده شده که در این پژوهش ۵ است (۲۹).

برای بررسی برازش مدل از شاخص‌هایی که گیفن، اشتراپ و بودرنو (۳۰) مطرح کرده‌اند استفاده شد: بدین ترتیب مقادیر شاخص‌های χ^2/df بر درجه آزادی که مقادیر کمتر از ۳ قابل پذیرش است؛ شاخص مجذور میانگین مربعات خطای تقریب $(RMSEA^2)$ که مقادیر بیشتر از 0.6 نشانگر برازش مناسب الگوی هستند؛ شاخص‌های نیکویی برازش (CFI^3) و شاخص برازندگی مقایسه‌ای (CFI^4) که مقادیر بیشتر از 0.9 نشانگر برازش مناسب الگوی هستند؛ شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته $(AGFI^5)$ که

4. Comparative fit index

5. Adjusted Goodness of Fit Index

1. Mardia's normalized multivariate kurtosis value

2. Root Mean Square Error of Approximation

3. Goodness of fit index

مقادیر بیشتر از ۰/۸ قابل قبول هستند؛ و شاخص برازش ایجاز (PNFI)^۱ که مقادیر بیشتر از ۰/۶ نشانگر برازش مناسب الگوی هستند. در جدول ۳ این شاخص‌ها گزارش شده‌اند که همگی در وضعیت مطلوب قرار دارند و می‌توان مطلوبیت برازش کلی مدل ساختاری را نتیجه‌گیری کرد.

جدول ۳: شاخص‌های برازندگی

PNFI	AGFI	CFI	GFI	RMSEA	X2/df
۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۹۹	۰/۹۶	۰/۰۸	۲/۲

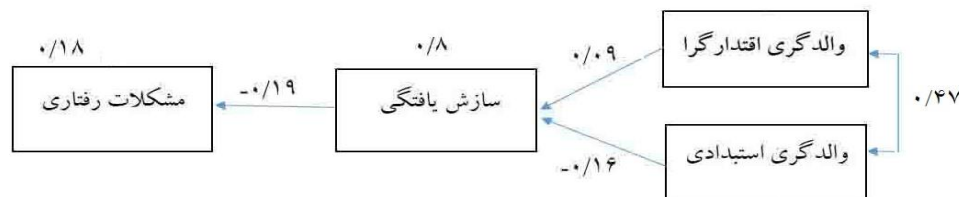
جدول ۴: اثرات مستقیم، غیرمستقیم، کل و واریانس تبیین شده متغیرها

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده
به روی مشکلات رفتاری	-۰/۱۹**	-	-	۰/۱۸
سازش‌یافتگی کودک	-	۰/۴۱**	۰/۴۱**	
والدگری استبدادی	-	-۰/۲۸**	-۰/۲۸**	
والدگری اقتدارگرا	-	-	-	
به روی سازش‌یافتگی	-۰/۱۶**	-	-۰/۱۶**	۰/۸
والدگری استبدادی	۰/۰۹**	-	۰/۰۹**	
والدگری اقتدارگرا	-	-	-	

**P<۰/۰۱

منفی و معنی‌دار است. با توجه به اینکه این اثرات از طریق سازش‌یافتگی بر مشکلات رفتاری کودک وارد می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که سازش‌یافتگی کودک نقش واسطه‌ای در ارتباط والدگری استبدادی و والدگری اقتدارگرا مادر با مشکلات رفتاری کودک دارد. در شکل ۲ الگوی آزمون شده پژوهش حاضر ارائه شده است. با توجه به این شکل سازش‌یافتگی ۱۸ درصد از واریانس مشکلات رفتاری کودک را تبیین می‌کند. ابعاد مختلف شیوه‌های والدگری نیز ۸ درصد از تغییرات سازش‌یافتگی را پیش‌بینی می‌کند.

با توجه به جدول ۴ اثر مستقیم سازش‌یافتگی کودک روی مشکلات رفتاری (-۰/۱۹) در سطح ۰/۰۱ منفی و معنی‌دار است؛ اثر مستقیم والدگری استبدادی بر سازش‌یافتگی کودک (-۰/۱۶) در سطح ۰/۰۱ منفی و معنی‌دار است؛ و همچنین اثر مستقیم والدگری اقتدارگرا بر سازش‌یافتگی کودک (۰/۰۹) که در سطح ۰/۰۱ مثبت و معنی‌دار است. مطابق جدول ۴ اثر غیر مستقیم والدگری استبدادی (۰/۴۱) بر مشکلات رفتاری در سطح ۰/۰۱ مثبت و معنی‌دار، و همچنین اثر غیر مستقیم والدگری اقتدارگرا (-۰/۲۸) بر مشکلات رفتاری در سطح ۰/۰۱



شکل ۲: ضریب برآوردی مدل ساختاری پژوهش (برآورد استاندارد)

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی مشکلات رفتاری کودکان بر اساس شیوه‌های والدگری مادران با میانجی‌گری سازش‌یافتگی کودک انجام شده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد مؤلفه‌های شیوه‌های والدگری مادران به طور مستقیم بر مشکلات رفتاری کودکان تأثیر دارند؛ بدین معنا که شیوه والدگری اقتدارگری بر مشکلات رفتاری کودک تأثیر مثبت، و شیوه والدگری استبدادی و آسان‌گیر بر مشکلات رفتاری کودک تأثیر منفی دارد ($P=0/01$). نتایج به دست آمده همسو با پژوهش‌های متعدد پیشین است که تأثیرات شیوه‌های والدگری مختلف را بر روی مشکلات رفتاری بررسی کرده‌اند و بر نظریه والدگری بامریند (۱۹۶۰) صحنه گذاشتند (۳، ۴، ۸ و ۱۳). در مطالعات جدید در بررسی رابطه بین والدگری و رفتارهای کودکان، روی مؤلفه‌های رابطه، مراقبت، و ساختار تاکید می‌شود (۲) مسئولیت‌پذیری والدین و صمیمیت از عناصر مؤلفه رابطه و مراقبت محسوب می‌شوند و مهارگری و محدودیت از عناصر ساختار به‌شمار می‌آید که در شیوه والدگری مقتدر هر سه مؤلفه به شکل مناسب توسط والدین مورد استفاده قرار می‌گیرد که منجر به پرورش کودکان سالم می‌شود (۸)؛ ولی در شیوه والدگری مستبدانه مؤلفه ساختار و مراقبت، بالا و مؤلفه رابطه، پایین است که مشکلات رفتاری را شکل می‌دهد (۹). همچنین نتایج پژوهش نشان داد که مدل مفروض میانجی‌گری سازش‌یافتگی کودک در رابطه بین شیوه‌های والدگری مادران و مشکلات رفتاری کودک، برازش قابل قبولی دارد ($P=0/01$)؛ به بیان دیگر نتایج پژوهش حاضر نشان داد متغیر سازش‌یافتگی کودک در پیوند دو متغیر شیوه‌های والدگری مادران و مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی، از نقش تفسیری غیر قابل انکاری برخوردار دارد. این نتایج همسو با پژوهش‌هایی است که نشان دادند شیوه والدگری اقتدارگری مادران با میانجی‌گری سازش‌یافتگی کودک بر مشکلات رفتاری کودک تأثیر مثبت دارد (۷، ۱۰ و ۱۶)؛ یعنی سطوح بالای مراقبت و رفتارهای مثبت والدینی منجر به سازش‌یافتگی بالاتر کودک در آینده و کاهش مشکلات رفتاری می‌شود (۱۸). این یافته را می‌توان به این طریق تبیین کرد که مطابق نظریه مک کوبی و مارتین (۲۰۰۷)، والدین مقتدر نمره بالایی در توقع و پاسخ‌دهی دارند و در ارتباط با کودک خود، میزان صمیمیت بالایی را در تربیت به کار می‌گیرند، به استقلال و تصمیمات

فرزندان احترام می‌گذارند (۴ و ۶)، انتظارات معقولی از فرزندان خود دارند، قوانین انضباطی را به وضوح برای آنها شرح می‌دهند (۱۷)، و با اشتباهات کودک به شکل عقلانی و منطقی رفتار می‌کنند (۱۵). از نظر اینک و همکاران (۷) این شیوه ارتباطی و تربیتی، محیط امنی در خانه برای کودک فراهم می‌کند که باعث می‌شود کودک بتواند خود را با شرایط متغیر محیطی منطبق کند و در نتیجه احتمالاً امکان بروز مشکلات رفتاری در او به حداقل می‌رسد.

از منظر یادگیری اجتماعی، والدین مقتدر چون مدت زمان بیشتری با فرزندان خود می‌گذرانند، با فراهم کردن محیط گرم و پذیرنده در خانه، شرایط مساعدی را برای رشد و یادگیری مهارت‌های اجتماعی کودک فراهم می‌کنند و میزان سازش‌یافتگی کودکان را افزایش می‌دهند (۷)؛ بنابراین سازش‌یافتگی کودک هر چقدر باشد، ظاهراً یک پیش‌بین مهم سطح بهزیستی کودک است و اگر بالا باشد می‌تواند سلامت رفتاری کودک را پیش‌بینی کرده و احتمال بروز مشکلات رفتاری را کاهش دهد (۳۱).

نتایج این مطالعه همچنین همسو با پژوهش‌هایی است که نشان دادند شیوه والدگری استبدادی مادران با میانجی‌گری سازش‌یافتگی کودک بر مشکلات رفتاری کودک تأثیر منفی دارد (۱۵، ۲۰ و ۲۳). این مطالعات نشان دادند سطوح پایین مراقبت و پذیرش همراه با رفتارهای منفی والدینی به سازش‌یافتگی پایین‌تر کودک منجر می‌شود که پیش‌بینی‌کننده قوی مشکلات رفتاری درون‌نمود و برون‌نمود کودکان است (۲۴). در تبیین این یافته‌ها باید اشاره کرد مطابق نظریه مینوچین (۱۹۷۴) رفتار اعضای یک خانواده تابعی از رفتار سایر اعضای خانواده (والدین) است و سازش‌یافتگی یکی از اعضای خانواده (مخصوصاً فرزندان)، ناشی از متمایز نبودن و مختل بودن مرزهای خرده‌سیستم‌های درون آن خانواده است که خروجی آن به شکل مشکلات رفتاری، تجلی پیدا می‌کند (۷). مطابق با نظریه بامریند (۱۹۶۰) والدین مستبد، در ارتباط با کودک، صمیمیت کم، ارتباط یک‌طرفه (۲)، و رفتارهای انضباطی سخت‌گیرانه‌ای به کار می‌گیرند (۵). این والدین پذیرای نیازها و امیال کودکان نیستند (۹) و انتظارات فراتر از سن کودک دارند که در نتیجه تنیدگی روانی مضاعفی به کودک وارد می‌کنند (۱۴). از نظر لعال (۱۲) والدین مستبد با صمیمیت کم و رفتارهای انضباطی سخت‌گیرانه و تنبیهی با کودک،

ساختار خانوادگی نابسامان را در خانواده پیاده می‌کنند و با اعمال تنیدگی روانی زیاد بر کودک، امکان سازش‌یافتگی را کاهش می‌دهند. استون و همکاران (۱۷) اظهار می‌دارند رفتارهای منفی والدین و عدم پاسخ‌گویی عاطفی آنها، به طور بالقوه امنیت احساسی فرزند را تهدید کرده و سازش‌یافتگی کودک را پایین می‌آورد. تبعات سازش‌نیافتگی کودک می‌تواند به شکل فقدان خودتنظیمی و احساسات منفی علیه دیگران در قالب مشکلات رفتاری برون‌نمود مانند پرخاشگری و قانون‌ستیزی ظاهر شود (۸) و یا به شکل مشکلات رفتاری درون‌نمود مانند اضطراب، افسردگی، و مشکلات فکری بروز کند که در این حالت کودک خودتنظیمی بیش از حد سفت و سختی داشته و احساسات منفی خود را به سمت خود سوق می‌دهد (۲۲).

در مجموع نتایج این پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های شیوه‌های والدگری مادران می‌تواند بر روی مشکلات رفتاری کودکان تأثیر بگذارد و سازش‌یافتگی کودکان، بین شیوه‌های والدگری مادران و مشکلات رفتاری، نقش میانجی‌گری دارد؛ بنابراین آموزش شیوه‌های والدگری صحیح به زوجین در مشاوره‌های پیش از ازدواج و به مادران در قالب آموزش‌های پیش از بارداری و نهایتاً دوره‌های آموزش خانواده در

مدارس، همزمان با اهتمام برای سازش‌یافتگی کودکان، می‌تواند باعث کاهش مشکلات رفتاری کودکان شود. استفاده از ابزارهای پرسشنامه‌ای به جای مطالعه رفتار واقعی، عدم تفکیک جنسیت آزمودنی‌ها، و لحاظ نکردن نقش پدر، جزء محدودیت‌های این پژوهش است که مطالعات بعدی با رفع محدودیت‌های روش‌شناختی این مطالعه می‌توانند به دقت و تعمیم‌دهی نتایج به‌دست آمده بیفزایند.

تشکر و قدردانی: این پژوهش برگرفته از رساله دکترای آقای محمد کاظم سلامت در رشته روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر زنجان با راهنمایی دکتر مسعود حجازی و مشاورت دکتر ذکراه مروتی و دکتر سیروس ایزدپناه با کد شناسه ۱۳۸۲۰۷۰۲۹۶۱۰۰۱ است. همچنین مجوز اجرای آن برای افراد نمونه از سوی آموزش و پرورش استان زنجان با شماره نامه ۵۷۰۰/۱۶۷۳/۶۵ مورخ ۹۷/۱/۳۰ صادر شده است. بدین وسیله از مسئولین آموزش و پرورش و مربیان مراکز پیش‌دبستانی و والدین کودکانی که در اجرای این طرح ما را یاری کردند تشکر و قدردانی می‌شود.

تضاد منافع: یادآوری می‌شود این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافع نداشته است.

References

1. Wittig SM, Rodriguez CM. Interaction between maternal and paternal parenting styles with infant temperament in emerging behavior problems. *Infant Behavior and Development*. 2019 Nov 1; 57:101323. [\[Link\]](#)
2. Zarra-Nezhad M, Aunola K, Kiuru N, Mulla S, Moazami-Goodarzi A. Parenting styles and children's emotional development during the first grade: The moderating role of child temperament. *J Psychol Psychother* 5: 206. [\[Link\]](#)
3. Parkes A, Green M, Mitchell K. Coparenting and parenting pathways from the couple relationship to children's behavior problems. *Journal of Family Psychology*. 2019; 33(2): 215-223 [\[Link\]](#)
4. Rosli NA. Effect of Parenting Styles on Children's Emotional and Behavioral Problems Among Different Ethnicities of Muslim Children in the US. Marquette University, Milwaukee, Wisconsin. 2009, pp 39-65. [\[Link\]](#)
5. Fu C, Niu H, Wang M. Parental corporal punishment and children's problem behaviors: The moderating effects of parental inductive reasoning in China. *Children and Youth Services Review*. 2019; 99(1):1-9. [\[Link\]](#)
6. Elam KK, Sandler I, Wolchik SA, Tein JY, Rogers A. Latent profiles of post-divorce parenting time, conflict, and quality: Children's adjustment associations. *Journal of Family Psychology*. 2019; 33(5), 499-510. [\[Link\]](#)
7. Aytac B, Pike A, Bond R. Parenting and child adjustment: a comparison of Turkish and English families. *Journal of Family Studies*. 2019; 25(3):267-86. [\[Link\]](#)
8. Pinquart M. Associations of parenting dimensions and styles with externalizing problems of children and adolescents: an updated meta-analysis. *Developmental psychology*. 2017;53(5): 845-873. [\[Link\]](#)
9. Hedstrom E. Parenting Style as a Predictor of Internal and External Behavioral Symptoms in Children: The Child's Perspective. 2016, pp 27-55. [\[Link\]](#)
10. Lal K. Impact of family relationship of B.E.D students on their adjustment. *American International Journal of Research in Humanities, Arts and Social Sciences*. 2013; 5(1): 49-53. [\[Link\]](#)
11. Menaga S, Chandrasekaran V. A study on adjustment of college students. *Scholarly research journal for interdisciplinary studies*. 2015; 3(16): 2622-2629. [\[Link\]](#)
12. Inguglia, Cristiano, et al. Satisfaction and frustration of autonomy and relatedness needs: Associations with parenting dimensions and psychological functioning. *Motivation and Emotion*, 2018, 42:5: 691-705. [\[Link\]](#)
13. McKee, L., Colletti, C., Rakow, A., Jones, D. J., & Forehand, R. (2008). Parenting and child externalizing behaviors: Are the associations specific or diffuse? *Aggression and Violent Behavior*, 13, 201-215. [\[Link\]](#)
14. Nikolaev EL, Baranova EA, Petunova SA. Mental Health Problems in Young Children: The Role of Mothers' Coping and Parenting Styles and Characteristics of Family Functioning. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 2016; 233: 94-99. [\[Link\]](#)
15. Joussemet M, Mageau GA, Larose MP, Briand M, Vitaro F. How to talk so kids will listen & listen so kids will talk: a randomized controlled trial evaluating the efficacy of the how-to parenting program on children's mental health compared to a wait-list control group. *BMC pediatrics*. 2018; 18(1): 257. [\[Link\]](#)
16. Barone L, Ozturk Y, Lionetti F. The key role of positive parenting and children's temperament in post-institutionalized children's socio-emotional adjustment after adoption placement. A RCT study. *Social Development*. 2019; 28(1): 136-51. [\[Link\]](#)
17. Stone LL, Otteen R, Janssens MAM, Soenens B, Kuntsche E, & Engels, CRME. Does parental psychological control relate to internalizing and externalizing problems in early childhood? An examination using the Berkeley puppet interview. *International Behavioral Development*. 2013; 37(4): 309-319. [\[Link\]](#)
18. Shigto a, Mangelsdorf SC, & Brown GL. Roles of Family cohesiveness, material adjustment and child temperament in predicting child behavior with mothers and fathers. *Journal of social and Personal Relationships*. 2014; 31(2): 200-220. [\[Link\]](#)
19. Soenens B, Vansteenkiste M. A theoretical upgrade of concept of psychological control: Proposing new insights on the basis of self-determination theory. *Developmental Review*. 2010; 30: 74-79. [\[Link\]](#)
20. Rodríguez-Meirinhos A, Vansteenkiste M, Soenens B, Oliva A, Brenning K, Antolín-Suárez L. When is Parental Monitoring Effective? A Person-centered Analysis of the Role of Autonomy-supportive and Psychologically Controlling Parenting in Referred and Non-Referred Adolescents. *Journal of youth and Adolescence*. 2019; 29:1-7. [\[Link\]](#)

21. Joussemet M, Vitaro F, Barker ED, Cote S, Nagin DS, Zoccolillo M, & Tremblay RE. Controlling parenting and Physical aggression during elementary school. *Child Development*. 2008; 79: 411-425. [\[Link\]](#)
22. Kaul K, Konantambigi R, & Anant SJ. Child temperament and emotion socialization by parents and its influence on emotion regulation by children. *Journal of Indian Association for Child and Adolescent Mental Health*; 2019; 15(2): 13-33. [\[Link\]](#)
23. Putnick DL, Bornstein MH, Lansford JE, Chang L, Deater-Deckard K, DiGiunta L, & Bombi AS. Agreement in mother and father acceptance-rejection, warmth, and hostility/rejection/neglect of children across nine countries. *Cross Cultural Research* 2012; 46: 191–223. [\[Link\]](#)
24. Gulay H, Onder A. Comparing parental acceptance: the rejection Levels and peer relationship of Turkish preschool children. *Procedia Social and Behavioral*. 2011; 15: 1818-1823. [\[Link\]](#)
25. Kline RB. Principles and practice of structural equation modeling. Second Edition. New York: The Guilford Press. 2011, pp 20–65. [\[Link\]](#)
26. Rafahi J. Predicting the parenting styles of mothers based on their early patterns and attachment styles. *Journal of Women and Society*. 1398; 37(10): 196-167. [Persian] [\[Link\]](#)
27. Zamany N, Zargar Y, Mehrabizadeh M. The effectiveness of cognitive intervention on improving the executive and self-regulation of children with behavioral problems of extraversion. *Health System Research*. 2018; 14(4): 467-457. [Persian] [\[Link\]](#)
28. Ahmadi S. The Effect of Music on Adaptation and the Level of Learning of Autistic Children in Isfahan. *Scientific Conference of Psychology, Educational Sciences and Pathology of Psychology Society*. 2015. [Persian] [\[Link\]](#)
29. Teo T, Noyes J. Explaining the intention to use technology among pre-service teachers: a multi-group analysis of the Unified Theory of Acceptance and Use of Technology. *Interactive Learning Environments*, 2012, pp 51–66. [\[Link\]](#)
30. Gefen D, Straub DW, & Boudreau MC. Structural equation modeling and regression: Guidelines for research and practice. *Communications of the Association for Information Systems*. 2000;4(7), pp 14–61. [\[Link\]](#)
31. Hosokawa R, Katsura T. Role of Parenting Style in Children's Behavioral Problems through the Transition from Preschool to Elementary School According to Gender in Japan. *Int J Environ Res Public Health*. 2019;16(1): 21-27. [\[Link\]](#)